

طراحی واسط کاربر برای نرم افزار فعال کننده سیستم بینایی در مبتلایان به تبلی چشم

هدف: هدف پژوهش بررسی میزان قابلیت درک واژگان به کار رفته در محیط رابط کاربری پایگاه-های اطلاعاتی وب آو نالج و اسکوپوس است.

روش: روش-شناسی پژوهش حاضر، کمی و به روش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه پژوهش، دانشجویان کارشناسی ارشد شاغل به تحصیل در دانشگاه شهید بهشتی بودند و از نمونه-گیری تصادفی برای انتخاب نمونه (۳۵۰ دانشجوی) استفاده شده است. اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شد که ۳۰۹ نفر (۸۸٪) از دانشجویان به پرسشنامه پاسخ دادند. در این پژوهش از آمار توصیفی و آزمون معناداری همبستگی اسپیرمن برای تحلیل داده-ها استفاده گردید.

یافته-ها: نتایج این پژوهش نشان داد که ۴/۶۹٪ از واژه-های مورد بررسی پایگاه -اطلاعاتی وب آو نالج، میزان درک خیلی زیاد و زیاد دارند. بر اساس نتایج، واژگان مورد بررسی در پایگاه اطلاعاتی اسکوپوس، ۵/۵۹٪ از واژگان مورد بررسی قابلیت درک خیلی زیاد و زیادی کسب نمودند. همچنین مشخص شد واژه-های جمع نسبت به واژه-های مفرد میزان درک بیشتری دارند؛ و نیز میزان درک جمله کوتاه نسبت به جمله بلند بیشتر است. نتایج نشان داد میزان آشنایی با پایگاه اطلاعاتی و همچنین استفاده از آن و نیز آشنایی با زبان انگلیسی بر درک بهتر واژگان اثر می-گذارد.

نتیجه- گیری: واژگان مورد بررسی در هر دو پایگاه اطلاعاتی، دارای قابلیت درک خوبی هستند. واژگانی که دارای بیشترین میزان درک در هر دو پایگاه هستند، جزء واژه‌ها و عبارت‌های آشنایی هستند که در اکثر پایگاه‌ها وجود دارند. واژگانی با کمترین میزان درک، شامل دو دسته هستند: دسته اول واژگان عملیات رایانه‌ای و دسته دوم واژگان تخصصی کتابداری؛ که پیشنهاد گردید در طراحی و باز طراحی پایگاه‌های اطلاعاتی از این دو دسته واژگان تا حد امکان کمتر استفاده گردد و در صورت لزوم با ارائه توضیحات باشد؛ همچنین از واژگان جمع، جملات کوتاه و امری، عبارت‌های وصفی و توضیحات برای کلمات در طراحی پایگاه‌ها استفاده گردد.

چکیده درمان تنبلی چشم به عنوان یکی از بیماری‌های شایع چشمی با میزان شیوع ۳ الی ۵ درصد جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و تلاش در جهت راه‌های درمان آن از نیازهای مبرم جامعه است. در حال حاضر درمان‌های متفاوتی برای این بیماری وجود دارد که یکی از آنها استفاده از نرم‌افزار طراحی شده‌ی حاصل همکاری دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران و شرکت فراکاوش است که اپتوسیس نام دارد. عدم رعایت مبانی طراحی تعامل و اصول طراحی واسط کاربر در این نرم افزار، کیفیت تعامل کاربر با آن را در سطح بسیار پایینی قرار داده است. در این پژوهش با در نظر گرفتن اصول طراحی واسط کاربر و با استفاده از رویکرد طراحی کاربرمحور سعی بر ارتقاء تعامل کاربر با نرم‌افزار بوده است. در این راستا با پیاده‌سازی مراحل فرایند طراحی کاربرمحور که عبارتند از مشخص کردن و درک بستر استفاده، مشخص کردن نیازهای کاربر و سازمان، ایجاد راه‌حل‌های طراحی و ارزیابی طرح‌ها بر اساس نیازها، الزامات طراحی دوباره نرم‌افزار مشخص شد و به ایجاد راه‌حل‌های طراحی انجامید. در بخش ارزیابی پروتوتایپ‌های ساخته شده با استفاده از تست کاربردپذیری با ۱۲ شرکت‌کننده که ۶ نفر آن‌ها زن و ۶ نفر مرد بودند، مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن در توسعه طرح نهایی به کار گرفته شد. نرم‌افزار به گونه‌ای تغییر یافت که کاربر در ارتباط با آن از حالت منفعل به حالت فعال تغییر وضعیت داده و تعهد صرف در برابر کار کردن با نرم‌افزار، جای خود را به لذت تعامل با آن داده است.